

جنبش مستقل زنان، مبارز پیگیر و استوار جنبش مردمی کشور ما

شده از سوی رژیم، حقوق زنان را به خشن ترین شکل ممکن سرکوب کرده و می کند. به قول مهرانگیز کار حقوقدان "ساختار حقوقی ایران از تحولات اجتماعی عقب مانده است و با معیارهای جهانی حقوق بشری همخوانی ندارد." به این ترتیب جنبش زنان در شکل جنبش حقوقی و حق طلبانه زنان، با تبعیض ها و نابرابری های قانونی و مدنی وارد کارزاری گسترده شده و با نقد قوانین زن ستیز و طرح وسیع آن در جامعه، می رود تا در بستر مبارزه ای فرهنگی و سیاسی، عزم راسخ خود را برای تغییر و رسیدن به برابری و آزادی و عدالت اجتماعی به نمایش گذارد. مبارزه زنان شجاع ایران برای تامین برابری حقوق اجتماعی، اقتصادی، مدنی و سیاسی و

جنبش مستقل زنان با پشتوانه مبارزاتی ۱۰۰ ساله، محکم و با اعتماد بنفس راه خود را در جامعه باز می کند. ره صدساله ای که از مشروطیت و حتی کمی پیش از آن آغاز شد و تا به امروز ادامه دارد، از نخستین جوانه های آگاهی پخش توسط پیشگامان زن در نشریاتی چون "دانش" و "زبان زنان" و چند دهه بعد در "بیداری ما" و "جهان زنان" که به گسترش آگاهی جنسیتی در جامعه دامن زدند و کمی بعد تر صدای حق طلبانه جنبش آزادی خواهی زنان در مجلاتی چون "زنان" و "جنس دوم" و انتشار صدها نشریه و کتاب و حضور دهها سایت و وبلاگ و ستون زنان نشریات که به شکل مختلف رژیم زن ستیز فقها و جامعه مرد سالار را به چالش گرفته اند. سخن ما از جامعه ای است که رسوبات هزاران ساله فرهنگ مردسالاری در قالب قوانین پوسیده قرون وسطایی - قوانین عقب مانده ای که زنان را در همه عرصه های اجتماعی، اقتصادی به انسانهایی درجه دو تنزل داده - تحت پوشش سنت و قوانین مذهب تحمیل



شماره ۷۵۴، دوره هشتم
سال بیستم، ۳۰ آذر ماه ۱۳۸۵

ادامه در صفحه ۲

پیش نویس دوم اصلاح قانون کار: نابودی حقوق زحمتکشان

“ حق تجمع و تحصن نداریم چون انگ سیاسی به ما می زنند، فریاد ما را هیچ کس نمی شنود، هیچ کس مشکلات ما را حل نمی کند چون مثل برخی اقشار ده ها نماینده در مجلس و محافل مهم نداریم.
از نامه یک کارگر به رییس مجلس

همزمان با گسترش چشم گیر خصوصی سازی به وسیله دولت احمدی نژاد فشار و حمله به حقوق و دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان افزایش یافته است. ارایه پیش نویس دوم اصلاح قانون کار رگواه روشنی بر این واقعیت است. پیش نویس دوم اصلاح قانون کار که با عنوان ساماندهی قرار دادهای موقت و حمایت از اشتغال جدید تدوین و چندی پیش انتشار پیدا کرد، یکی از مهمترین طرح های دولت بر گمارده ارتجاع در راستای تامین امنیت سرمایه و جذب سرمایه گذاری خارجی قلمداد می شود. در این باره سخنان عضو کمیسیون صنایع مجلس درست همزمان با انتشار پیش نویس دوم اصلاح قانون

ادامه در صفحه ۳

فشار وزارت اطلاعات رژیم بر
اقلیت های مذهبی
چالش هایی که نیروهای چپ هندوستان
با آن رو به رو هستند
آمریکای لاتین در مسیر تحولات
اجتماعی عمیق تر
در ص ۴
در ص ۷
در ص ۸

پیروزی سیاسی بزرگ مردم در جریان انتخابات شوراها

پیش روی جنبش مردمی قرار گرفته بود. ارتجاع همه امکانات خود را به کار بسته بود که توده های مردم را از صحنه پیکار سیاسی دور کند تا بتواند همچون انتخابات ریاست جمهوری قبلی گمراهگان خود را، با بهره جویی از تقلبات وسیع، از صندوق های رای بیرون بیاورد. ولی مردم ما با هوشیاری تحسین برانگیز، با دقت و وسواس در مراکز که امکان داشت به نامزدهای ارتجاع ضربه زد حضور یافتند و درس جالبی به مرتجعان حاکم و همچنین نیروهای سیاسی کشور دادند. شکست مفتضحانه ائتلاف طرفداران احمدی نژاد، در انتخابات شوراها، در سراسر کشور، با وجود همه تقلب کاری های وزارت کشور، سپاه و نیروهای وابسته به دولت، نشانگر این واقعیت است که به رغم همه تلاش های ارتجاع و با وجود همه عقب گرد های سال گذشته، جنبش مردمی به مبارزه خود بر ضد رژیم استبدادی حاکم، با استفاده از همه امکانات مبارزاتی، هر چند محدود، ادامه می دهد.

حتی طرفداران احمدی نژاد، ضمن تلاش برای خارج کردن او از زیر ضربه، نیز

ادامه در صفحه ۶

بالاخره پس از هفته ها کشاکش، انتخابات شوراها شهر و روستا همزمان با انتخابات مجلس خبرگان و انتخابات میان دوره ای مجلس برگزار شد. رد صلاحیت صدها نامزد مستقل و دگراندیش در کنار تشدید فشارهای سرکوب گرانه بر جنبش دانشجویی و جنبش کارگری کشور، پیش از برگزاری انتخابات، و تهاجم همه جانبه تبلیغاتی رسانه های گروهی، که عمدتاً در انحصار تاریک اندیشان حاکم و ذوب شدگان در ولایت قرار داشت، فضای سیاسی پرتنش را بر انتخابات حاکم کرده بود. سخنان طرفداران احمدی نژاد، در روزهای پیش از انتخابات و مدعیات آنها در زمینه کسب "آرای ۳۰ میلیونی" در عین حال صحنه انتخابات را به رفراندومی درباره سیاست های دولت احمدی نژاد و مرتجعان حامی او همچون مصباح یزدی و دیگران تبدیل کرده بود. اگرچه روشن بود که انتخابات به دلیل همه مداخلات نیروهای ارتجاعی حاکم نمی توانست انتخاباتی دموکراتیک و آزاد باشد ولی مسئله مهم در این عرصه نه صرف رای دادن به این یا آن نامزد انتخاباتی بلکه مبارزه سیاسی و آزمون دشواری بود که

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

ادامه جنبش مستقل زنان ...

رف ستم جنسی و طبقاتی، از دو پشتوانه قوی برخوردار است :
 ۱. دستاورد جنبش جهانی زنان و نهادهای حقوق بشری جهانی؛
 ۲. پشتوانه مبارزات صد ساله زنان ایران
 که بطور خلاصه به هر کدام می پردازیم:

۱. دستاورد جنبش جهانی زنان و نهادهای حقوق بشری جهانی

با قاطعیت می توان گفت که تحولات جهان دوران معاصر ما سند گویای تاثیر جهانی پیکار دشوار و پرفراز و نشیب زنان در دستیابی به برابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، پیکاری که چهره جهان را در بسیاری از کشورها دگرگون ساخته و به زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق کار، حق فعالیت سیاسی و اجتماعی، حق دفاع از خانواده و حقوق خانوادگی داده و راه را برای تحقق کامل تساوی حقوق زن و مرد و رهایی از ستم جنسی و طبقاتی هموار کرده است. امروزه نقش موثر زنان برای ارتقاء حقوق زحمتکشان و مبارزه با فقر، دستیابی به صلح و حفظ محیط زیست و جنبش های ضد جنگ بر هیچ کس پوشیده نیست، و جنبش جهانی زنان با افتخار می تواند به آن ببالد.

از طرف دیگر اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد مترقی جهانی و بنیانگذاری نهادهای حقوق بشری دستاورد پیکار خستگی ناپذیر توده های زحمتکش و نیروهای مترقی سراسر دنیا است که در شرایط بعد از جنگ - بعد از بنیانگذاری سازمان ملل متحد - تصویب شدند. این اسناد موارد جهانشمولی هستند که کشورهای عضو سازمان ملل ملزم به تعهد و اجرای آن هستند. هر چند از امضای تعهدات بین المللی تا اجرای آن در بسیاری کشورهای راه درازی است و با مقاومت ارتجاع داخلی آن روبرو می شود، اما این اسناد دستاوردهای عظیم جهانی اند. به این ترتیب تلاش برای اجرای تعهدات جهانی در رابطه با حقوق زنان و کودکان مصوبه نشست های نوبتی کنفرانس زنان که از طرف سازمان ملل با فواصل معین برگزار می شود و تشکل های مترقی زنان (مثل فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان و سازمانهای غیردولتی مترقی) به یکی از محورهای مبارزه زنان و نیروهای مترقی در سراسر جهان تبدیل شده است. به عنوان مثال، در کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵، و سپس در رسال ۲۰۰۰ در قاهره، موضوع فقرزدایی و رفع خشونت نسبت به زنان به عنوان دو مورد از ۱۲ معضل زنان مورد بررسی قرار گرفت و از کشورهای عضو سازمان ملل خواسته شد که اصلاحات قانونی و اداری برای دستیابی به حقوق برابر زنان و بر ضد فقر و خشونت در کشور خود انجام دهند و در جهت توانمند سازی زنان، راه کارهای عملی رسیدن به آن را تعهد کنند. در این کنفرانس ها به نقش ویژه سازمان های غیر دولتی و نهادهای مدنی در جهت رسیدن به اهداف فوق تاکید شده است، اما اسناد تصویب شده در نشست های جهانی به تنهایی و بدون مبارزه پیگیر زنان و دیگر نیروهای مترقی در کشورهای خودی اجرایی شود و مقاومت و جان سختی جوامع ارتجاعی و مرد سالار را به اشکال مختلف به همراه دارد. اما آنچه که در همه کشورها ثابت گردیده این است که جنبش زنان در پیوند با دیگر جنبش های مردمی است که گسترش یافته و به پیروزی می رسد.

مناسبت هایی از قبیل روز جهانی زن، روز جهانی کارگر، روز جهانی حقوق بشر، روز جهانی فقر، روز جهانی مبارزه بر ضد خشونت، روز کودک، روز جهانی صلح، روز جهانی مبارزه با ایدز... فرصت هایی هستند که تشدید مبارزه با ستم جنسی - طبقاتی و بالا بردن سطح آگاهی جامعه را به دنبال داشته و از دستاوردهای ارزشمند جنبش جهانی زنان و دیگر نیروهای مترقی است. به همین دلیل برگزاری وسیع این فرصت ها خوشایند رژیم های ارتجاعی نیست (از دستاوردهای دهه اخیر، تصویب کنوانسیون حذف هر گونه تبعیض بر ضد زنان است و یکی از کنوانسیون هایی است که بیش از هر کنوانسیون به تصویب کشورها رسیده است). بی شک جنبش زنان ایران بی تاثیر از دستاوردهای جهانی جنبش زنان نبوده و نخواهد بود، و مبارزه حول محورهای فوق در جهت مبارزه زنان ایران برای رهایی از چنگال استبداد رژیم ولایت فقیهی و برای آزادی و برابری در جامعه خواهد بود.

۲. پشتوانه مبارزات صد ساله زنان ایران

از اولین انجمن های سری زنان و اولین هشت مارس، روز همبستگی جهانی زنان که در سال ۱۳۰۰ شمسی در شهر رشت جشن گرفته شد، و از اولین قدم های پیشگامان نهضت زنان برای سواد آموزی دختران و بر ضد خرافات مذهبی و عبور از چهار دیواری خانه تا به امروز، که زنان و

دختران قله های علم و دانش را فتح کرده اند (۶۵ درصد دانشجویان ایران دخترند) و حضور فعال و مبارز خود را به جامعه تحمیل می کنند، حدود یک قرن می گذرد. با قاطعیت می توان گفت که امروزه زنان با ابزار علم و آگاهی به نبرد تاریک اندیشی و واپس گرایی آمده اند و این خود دستاورد بزرگی است که پیروزی های بعدی را نوید می دهد.

مبارزه زنان برای دستیابی به خواسته های انسانی خود، در یک سده گذشته، در کشوری استبداد زده و ارتجاعی، چه از نوع شاهنشاهی و یا ولایت فقیهی آن، که خواسته های زنان همواره سرکوب و از تشکیل سازمان های سیاسی و صنفی خود محروم بوده اند (به جز در مقاطعی که زیر لوای مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان فضایی قابل تنفس ایجاد شد. به عنوان مثال تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، در سال های قبل از کودتا از مهمترین سازمان های سیاسی زنان بود که برای تغییر قانون انتخابات و شرکت زنان در آن مبارزه کرد)، به این نتیجه فاجعه بار منجر شد که زنان خواسته های را که از زمان مشروطیت داشتند، همچنان در دستور روز مبارزه خود داشته باشند. حتی انقلاب مردمی بهمن ۵۷ که زنان نقش بزرگی در آن داشتند هم نتوانست به خواسته های برابر طلبی و حقوق بشری زنان پاسخ دهد. برعکس، رژیم برآمده از انقلاب با توسل به شرع و پایمال کردن برخی دستاوردهای مدنی و قانونی، و با توسل به مواد زن ستیز در قانون اساسی، زنان را به شهروندان درجه دو تقلیل داد و در نتیجه به این واقعیت تلخ انجاسید که امروزه آنان یکی از محروم ترین و زیر ستم ترین قشرهای جامعه ما را تشکیل می دهند.

اما جنبش زنان با تمام فراز و نشیب اش از توان رفتن باز نایستاد و مبارزه در شرایط خفقان ولایت فقیهی ادامه یافت. در دوم خرداد زنان حضور پر توان خود را به نمایش گذاشتند و در به وجود آوردن فضای باز نسبی نقش مهم داشتند. در این سال ها جنبش زنان از طرفی با نقد قوانین زن ستیز در قانون اساسی و قوانین مدنی توسط حقوق دانانی مثل شیرین عبادی و مهرانگیز کار و دیگر فعالان زن، در نشریات رسمی کشور و یا مجامع عمومی پرداخت. و از طرف دیگر، دستاورد جنبش زنان در این سالها منجر به ایجاد بیشمار سازمان های صنفی و غیردولتی زنان، پرورش صدها فعال اجتماعی زن و حضور ده ها زن سرشناس نویسنده، شاعر، محقق، حقوقدان، روزنامه نگار، مترجم و ناشرو فتح سنگرهای علم و دانش توسط دختران در دانشگاههای کشور گردید.

جنبش زنان، بدرستی دریافت که حضور نخبگان جنبش با تمام گستردگی و کثرت خود، بدون ارتباط با بدنه اجتماعی خویش، یعنی با توده های محروم زنان و انتقال آگاهی به میان آنان، نخبگانی جدا از توده خواهند بود و نیز این تجربه گرانبها که تغییر در قوانین ضد زن بدون حضور توده ها و از طریق چانه زنی در "بالا" و پشت درهای بسته بدست نمی آید. در هشت سال حاکمیت اصلاح طلبان و امر مبارزه در راه حقوق زنان موکول می گردید به شرایطی که ابتدا دموکراسی در جامعه پای بگیرد تا آن وقت زنان به مبارزه برای حقوق برابر خود بپردازند. نادرستی این نظریه با تلاش زنان در جامعه افشا گردید و جنبش مستقل زنان در عمل ثابت کرد که مبارزه در راه خواست های برحق و انسانی زنان هم جهت و در پیوند تنگاتنگی با مبارزه جنبش مردمی برای آزادی، برابری و عدالت اجتماعی قرار دارد. به این ترتیب دادن آگاهی و سازماندهی توده زنان با توجه به شرایط مشخص جامعه و بغرنجی های آن یکی از وظایف مبرم و مهم جنبش زنان گردید. گام برداشتن در این مسیر و داشتن استراتژی مشخص و راهکارهای عملی رسیدن به آن یکی از مسایل اصلی جنبش زنان را در حال حاضر تشکیل می دهد.

از سویی دیگر ارتجاع زن ستیز نیز بیکار ننشسته و تلاش دارد با تشدید جو خفقان در جامعه و سرکوب خشن حرکات آگاهی بخش و گردهمایی های زنان، پیگرد و تهدید فعالان جنبش، مانع از پیوند آن با بدنه آن یعنی توده محروم زنان گردد. احضار فعالان زن، ندادن مجوز برگزاری به تجمع ها و فیلترگذاری سایت های زنان و غیره، تلاش های مذبوحانه ای است که رژیم می کوشد بدین وسیله جنبش زنان را در کنار جنبش کارگری و دانشجویی و دیگر نیروهای مترقی سرکوب یا مرعوب کند. امری که رژیم ولایت فقیهی با روی کار آوردن احمدی نژاد، مهره دست چین شده ارتجاع، آن را شدت بخشیده است.

امروزه در شرایط دشوار کشور ما زنان به اشکال مختلف برای سازماندهی و بردن آگاهی به میان توده ها استفاده می کنند شناخت ملموس خواست های قشرهای مختلف زنان، از قبیل زنان کارگر، روستایی و زنان سرپرست خانوار و به طور کلی توده محروم زنان و پیوند آن با خواسته های عام حقوقی زنان و تشدید مبارزه برای رفع نابرابری های قانونی و تبعیض یکی از محورهای مهم مبارزاتی زنان را در حال حاضر تشکیل میدهد و نیز در راستای تعهدات جهانشمولی است که رژیم از امضا و یا اجرای آن به بهانه های شرعی و غیر

ادامه پیش نویس دوم اصلاح قانون کار ...

کار، گویا و بسیار پر معناست. خیرگزاری ایلنا، ۱۸ آذر ماه، از قول حبیبی عضو کمیسیون صنایع گزارش داد: "سهام این قانون (قانون کار) در ایجاد مشکل برای جذب سرمایه و رونق تولید بیش از ۲۰ درصد است، تاکنون بارها برای متقاعد کردن سرمایه گذاران معتبر جهانی نسبت به سرمایه گذاری در ایران اقدام کرده ایم اما آنان ساختار قانون کار ایران را به عنوان مشکل اصلی سرمایه گذاری می دانند... وقتی وزارت کار در پیش نویس های اصلاح قانون کار، تغییر ماده ۲۷ و آزادی عمل نسبی کارفرما در اخراج کارگر را پیشنهاد می کند، نشانه تلاش دولت برای جذب نظر مساعد سرمایه گذاران و بر طرف کردن تصورات نادرست آنان از شرایط بازار سرمایه و تولید در کشور است."

پیش نویس اصلاح قانون آن هم دومین پیش نویس، دقیقا با این هدف تدوین و در حال پیگیری برای تصویب و اجراست.

به عنوان مثال در پیش نویس دوم به مراتب بدتر از پیش نویس اول، اصلاح ماده ۲۷ قانون کار در نظر گرفته شده و مطابق آن اخراج کارگران بسیار سهل و آسان خواهد. دامنه این اصلاحیه بسیار گسترده است و حتی شامل اخراج کارگران در زمان بیماری و اخراج زنان کارگر بدون کوچکترین دلیل در دوره بارداری و مرخصی زایمان... است. به علاوه، به راحتی کارگران را به دلیل گریشات و معتقدات فکری می توان بر اساس اصلاحیه دوم پیش نویس قانون کار اخراج کرد. این اصلاحیه یعنی اصلاح ماده ۲۷ به طور کامل با مقوله نامه های سازمان بین المللی کار مغایرت دارد. بر پایه مقوله نامه های سازمان بین المللی کار، نمی توان کارگران را به دلیل اعتقادات سیاسی- مذهبی و فکری و یا عضویت در سندیکاها و یا در زمان بیماری و بارداری اخراج کرد. و پیش شرط هایی در این خصوص وجود دارد. اما اصلاحیه وزارت کار تمامی این قوانین و حقوق شناخته شده را نادیده می گیرد و حق اخراج را به کارفرمایان و میل و اراده آنان واگذار می کند.

همچنین در ارتباط با تعیین حداقل دستمزدها، در اصلاح ماده ۴۱ مطابق با پیش نویس دوم، چگونگی و میزان تعیین دستمزد کارگران و زحمتکشان به شرایط اقتصادی کشور مرتبط شده و این بدان معناست که، هر وقت، هر دولتی اوضاع اقتصادی کشور را نا مناسب تشخیص دهد دستمزدها افزایشی نخواهد داشت.

در عین حال معلوم نیست اوضاع اقتصادی "بد" به چه معنی و "خوب" کدام وضعیت است، و اصولا معیار این خوب و بد چیست؟! طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشور سالیان متمادی در راه تعیین حداقل دستمزدها بر اساس نرخ واقعی تورم مبارزه کرده و اکنون نیز می کنند. تعیین حداقل دستمزد در هر سال نمی تواند و نباید وابسته به هیچ متغیری باشد. از این اصلاحیه، در صورت تصویب و پیاده شدن، کلان سرمایه داران و به ویژه در حال حاضر سرمایه داری تجاری و دلال، کمال استفاده را کرده و به آرزوی دیرین خود که جلوگیری از افزایش واقعی دستمزدهاست می رسند. از ابتدای انقلاب تا به امروز لایه های گوناگون سرمایه داری ایران به انحاء مختلف کوشیده اند که مسئله دستمزدها را به زبان زحمتکشان مزدگیران و به سود خود حل کنند. وزاری کار دولت های متعدد جمهوری اسلامی یعنی توکلی ها، کمالی ها و جهرمی ها و امثالهم، در هر دوره ای بیشترین نیرو و امکانات خود را صرف پایین نگاه داشتن سطح واقعی دستمزد زحمتکشان قرار داده و می دهند!

از موارد دیگر قابل توجه در پیش نویس دوم اصلاح قانون کار، اصلاح مواد ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷ قانون کار است که به طور کامل حقوق سندیکایی کارگران را نادیده و پایمال می سازد، و این زمینه را فراهم می کند که دولت های رژیم ولایت فقیه زیر پوشش قانون این "حق" را داشته باشند تا تشکل های تحت فرمان و زیر کنترل خود را پدید آورند و به عنوان تشکل های کارگری معرفی کنند. بر پایه اصلاحیه های متعدد پیش نویس دوم، ترتیبی اتخاذ گردیده که وزارت کار و امور اجتماعی از ثبت تشکل ها و سازمان های صنفی که مورد قبول رژیم نباشند خودداری ورزد و مانع فعالیت آن ها شود. علاوه بر آنچه مورد اشاره قرار گرفت، می باید به چشمداشت رژیم ولایت فقیه به سازمان تامین اجتماعی

ادامه جنبش مستقل زنان ...

اسلامی بودن سرباز می زند. بزرگداشت روزهای جهانی فرصتی است تا مبارزه جنسی و طبقاتی در سطح جامعه طرح و گسترش یابد. چنانکه ۲۵ نوامبر [۱۴ آذرماه] روز مبارزه با خشونت، زمینه ای شد تا به افشای خشونت و انواع آن و به ویژه خشونت قانونی پرداخته شود و یک بار دیگر به بازنگری و تغییر قوانین ضد انسانی و ضد حقوق بشری تاکید گردد. شکل دیگر مبارزه زنان، با توجه به شرایط کشورمان، کارزار هایی است که برای خواسته های مختلف زنان تحت نام کمپین صورت می گیرد. کمپین های مختلفی از قبیل:

کمپین ورود به استادیوم های ورزشی، کارزاری است که به منظور حساس ساختن جامعه نسبت به تفکیک جنسیتی و استفاده نابرابر از فضای عمومی و جداسازی زن و مرد در فضای عمومی ایجاد شده و به قول فعالان این کمپین "سمبل شکستن فضای جداسازی جنسی است"

کمپین جمع آوری امضاء بر ضد سنگسار و اعدام که در آن بیش از چهل وکیل دادگستری شرکت دارند و بر ضد سنگسار و اعدام به ویژه سنگسار زنان و اعدام نوجوانان فعالیت می کنند تا سنگسار این خشن ترین و فجیع ترین خشونت قانونی را در جامعه افشا کنند، به طوریکه مقامات قضایی مجبور به واکنش شدند و اعلام داشتند که سنگسار اجرا نمی شود و حتی در نتیجه فعالیت این کمپین مواردی از احکام سنگسار اجرا نگردید اما زنان تا لغو این قانون قرون وسطایی از پای نخواهند نشست و در این راه حمایت فعالان حقوق بشری و فعالان زن و مرد را در سراسر جهان به همراه دارند.

و نیز کمپین یک میلیون امضاء بر ضد قوانین تبعیض آمیز که از سه ماه پیش پیگیرانه در ایران شروع به کار کرد. این کمپین که آغاز آن از حرکت ۲۲ خرداد شروع شد واز حمایت برخی از چهره های جهانی زنان نیز برخوردار است با فعالیت مستمر خود و برگزاری جلسات آموزشی در نقاط مختلف کشور، به آموزش "چهره به چهره" در میان توده زنان پرداخته و از "درد مشترک" یعنی ابتدایی ترین خواسته های انسانی زنان و برابری قانونی و معضلاتی که روزانه میلیونها زن به عنوان مادر یا همسر در مصاف با آنها، شروع کرده است. در این کارزار همان طور که فعالین جنبش زنان به عنوان "اولین قدم" مبارزه اعلام داشته اند هدف نه تنها صرف جمع آوری امضاء، بلکه آموزش فعالین زن و سپس رفتن به میان توده ها و لمس مشکلات واقعی آنان و کشاندن مبارزه در متن جامعه تاکید شده است. تلاشگران زن با فعالیت شبانه روزی خود و مبارزه و محدودیت های فراوان حضور فعال خود را به رژیم زن ستیز تحمیل می کنند. در فرم چاپ شده برای گرفتن امضا با ذکر مختصری از تبعیضات قانونی از جمله آمده است: "بی شک زنانی که در طبقات پایین جامعه قرار دارند یا جزو اقلیت های قومی و مذهبی هستند از تبعیضات قانونی بیش از دیگران رنج می برند دولت ایران به میثاق های بین المللی حقوق بشر ملحق و متعهد به اجرای مقررات آنان شده است. مهم ترین ضابطه در حقوق بشر عدم تبعیض بر مبنای جنس، قوم، مذهب و... است بنا بر مبنای فوق ما امضا کنندگان این بیانیه خواستار رفع تبعیض از زنان در کلیه قوانین بوده و از قانونگذاران می خواهیم که نسبت به بازنگری و اصلاح قوانین بر اساس تعهدات بین المللی اقدام نمایند."

در این رابطه جنبش مستقل زنان با تکیه بر عمل جمعی، با برگزاری کارزارهای وسیع و استفاده از اشکال متنوع مبارزه از برپایی تجمع های خیابانی گرفته تا برگزاری سمینارهای آموزشی، نشست های منطقه ای و سراسری فعالین کمپین به منظور ارزیابی فعالیتها و تبادل تجربه و... هدف عمده خود را بردن آگاهی به میان توده ها و سازماندهی و بسیج آنان برای لغو قوانین زن ستیز و برای آزادی و عدالت اجتماعی و حذف ستم جنسی و طبقاتی در جامعه -دوشادوش و در پیوند با مبارزه سایر نیروهای مترقی- قرار داده است. باید اذعان داشت که هر قدمی در جهت مبارزه برای رهایی زنان، راه را برای تغییرات بنیادی باز میکند و تغییرات بنیادین و رسیدن به آزادی و برابری و عدالت اجتماعی با طرد رژیم ولایت فقیه و حکومتی مردمی امکان پذیر است. حزب توده ایران در اعلامیه خود به مناسبت ۲۲ خرداد و در حمایت از حرکت قهرمانانه زنان ایران نوشت:

"حزب توده ایران از مبارزه برحق شما بر ضد قوانینی که خشونت، سرکوب و تبعیض بر ضد زنان را طبیعی می انگارند، حمایت می کند و خواست های شما برای رفع نابرابری جنسی و مساوات واقعی در همه شئون اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جامعه را بخش مهمی از برنامه مبارزاتی خود می داند." ما هم مانند جنبش مستقل زنان باور عمیق داریم که با تلاش و مبارزه پیگیر زنان به همراه دیگر نیروهای مترقی "رهایی زنان" ممکن است و می توان دنیایی بنا کرد که بر پایه آزادی و برابری و صلح و عدالت اجتماعی برای همه، چه زن و چه مرد، استوار باشد. پشتیبانی از ییکار قهرمانانه زنان ایران و رساندن صدای حق طلبانه آنان در جامعه و در افکار عمومی جهان از وظایف مهم و مبرم همه نیروهای مترقی است.



* فشار وزارت اطلاعات رژیم بر اقلیت‌های مذهبی

با نزدیک شدن سال نو میلادی، یک بار دیگر موضوع حقوق اقلیت‌های مذهبی در ایران و فشارهای که این دسته از هم‌وطنان ما در زیر سایه رژیم ولایت فقیه متحمل می‌شوند، برجسته شده است. واقعیت این است که در رژیم استبدادی و سرکوب‌گر موجود همه شهروندان ایران از حقوق انسانی و آزادی‌های دموکراتیک برخوردار نیستند. با این حال باید عنوان کرد که اقلیت‌های ملی و مذهبی در کشور ما از ستم مضاعف رنج می‌برند.

بر اساس گزارش خبرگزاری‌ها، در روز یکشنبه هفته‌ای که گذشت، تعدادی از مسیحیان ایرانی در شهرهای مختلف بازدید کردیدند. بیشترین رقم دستگیرشدگان از تهران و کرج گزارش شده است. علاوه بر این، در شهر رشت نیز تعدادی از اعضای کلیسای این شهر بازدید شده‌اند.

دستگیری این دسته از هم‌وطنان مسیحی در آستانه کریسمس و سال نو میلادی صورت می‌گیرد. امری که باید آن را به حساب فشارهای تازه نیروهای رژیم بر اقلیت‌های مذهبی میهن ما، آن‌هم به قصد ایجاد مانع در برگزاری مراسم سنتی و مذهبی‌شان، به‌شمار آورد. بهانه نیروهای امنیتی اجرای مراسم مذهبی به ویژه آمادگی و تدارکات برای برگزاری آیین کریسمس بوده است. زیرا که آن‌ها با مراجعه به برخی از کلیساها و محل‌های اجرای مراسم مسیحیان، از آنان خواسته‌اند که از برگزاری چنین مراسمی خودداری کنند.

برخی از گزارش‌ها حکایت از آن دارد که نیروهای وزارت اطلاعات با مراجعه به منازل تعدادی از مسیحیان به بازرسی خانه‌ها پرداخته و کتاب‌های مذهبی، سی‌دی‌ها و عکس‌های آنها را ضبط کرده

است. در این مراجعات و بازرسی‌ها مسیحیان را تحت فشار قرار داده‌اند تا از اجرای مراسم مذهبی خودداری کنند. علاوه بر این در پی یورش نیروهای امنیتی رژیم به برخی مکان‌های اجرای مراسم مذهبی تعدادی زن و مرد دستگیر شده‌اند که اسامی آن‌ها را سایت‌های مدافع حقوق بشر منتشر کرده‌اند. هم‌اینک تعداد ۱۲ تن در بازداشت به‌سر می‌برند. تعدادی از دستگیر شدگان متعلق به کلیسای وابسته به کلیسای رشت هستند. به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران در ادامه بازداشت گروهی از مسیحیان وابسته به کلیسای رشت، خانواده‌های آنها با تجمع در مقابل دادگستری رشت نسبت به این امر اعتراض کرده و خواهان آزادی فوری بستگان خود شده‌اند. ولی تجمع کنندگان با خشونت و برخورد اهانت‌آمیز نیروهای انتظامی و امنیتی مواجه شده‌اند. علاوه بر این نیروهای وابسته به وزارت اطلاعات در آخرین اقدام خود از افرادی که می‌خواهند مراسم مذهبی خود را در کلیسای رشت به‌جا آورند خواسته است کپی مدارک شناسایی خودشان را به وزارت اطلاعات تحویل دهند.

همچنین موضوع اخراج از کار و عدم امنیت شغلی به دلیل تعلق مذهبی، یکی از موضوعاتی است که در طی سالیان گذشته برخی از اقلیت‌های مذهبی ایران با آن روبرو بوده‌اند. آخرین نمونه از این گونه اقدامات اخراج یکی از مسیحیان به خاطر اعتقادات مذهبی‌اش است. بر اساس گزارشی که در برخی از رسانه‌ها منعکس شده است یکی از پیروان مسیحی که دارای مدرک کارشناسی نساجی می‌باشد به دلیل اعتقادات مذهبی خود از کار اخراج شده است. البته این گونه تضعیقات تنها شامل مسیحیان نمی‌شود، بلکه سایر اقلیت‌های مذهبی ایران را نیز در برمی‌گیرد. حزب توده ایران، بر اساس باور و پایبندی خود به حقوق شهروندی، این گونه اقدامات سرکوب‌گرانه و آزادی‌کش رژیم را به شدت محکوم می‌کند. حزب ما خواهان آزادی فوری همه دستگیرشدگان و بازگشت آن‌ها به آغوش خانواده‌هایشان است. ما بر این عقیده ایم که آزادی عقیده و مذهب یکی از موارد آزادی‌هایی است که زیر ماده ۲ و ۱۸ در اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح و به رسمیت شناخته شده است، و باید اکیداً رعایت شود.

“از حقوق زحمتکشان افغانی شاغل در ایران دفاع کنیم”

مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی دولت ضد کارگری احمدی نژاد، همان‌طور که به منافع کارگران ایرانی حمله کرده و حقوق آن‌ها را پایمال می‌سازند، حقوق زحمتکشان افغانی را آماج حمله خود قرار داده‌اند. موضوع اخراج کارگران افغانی شاغل در ایران به بهانه و عنوان کارگران خارجی بدون مجوز با طرح دولت مبنی بر اخراج وسیع آن‌ها از تاریخ ۶ آبان ماه امسال آغاز شد.

طرح اخراج گسترده این کارگران توسط گروه‌های متشکل از وزارت کشور، نیروی انتظامی، دادستانی و وزارت بازرگانی به همراه بازرسان وزارت کار، که به‌طور عمده پس از انتصاب جهرمی به عنوان وزیر کار از میان افراد بسیج برگزیده شده‌اند، در سراسر کشور به اجرا درآمده است. مطابق این طرح قرار است تا پایان امسال ۵۰۰ هزار کارگر افغانی اخراج شوند. مقامات رژیم ولایت فقیه، به ویژه مسئولان دولت ارتجاع، علت تدوین و اجرای این طرح را کاهش نرخ بیکاری در کشور و احیاء فرصت‌های شغلی که کارگران خارجی اکنون آن را در اختیار دارند، اعلام کرده‌اند. وزارت کار تاکید می‌کند که با اخراج کارگران خارجی، ۳۰۰ الی ۴۰۰ فرصت شغلی به سود کارگران ایرانی مهیا می‌گردد. پیش از اعلام این طرح مرتجعان حاکم با جوسازی و مسموم ساختن فضای اجتماعی به یک کارزار تبلیغاتی زشت و ناپسند بر ضد زحمتکشان افغانی مبادرت ورزیدند و به دنبال آن با مهیا ساختن افکار همگانی، به زعم خود، طرح خود را به اجرا درآوردند. به گمان ما هزاران زحمتکش شریف کشور همسایه و برادر ما افغانستان به هیچ روی عامل رشد بی‌کاری و ناهنجاری اجتماعی نبوده و نیستند. تبلیغات ارتجاع در این خصوص فقط و فقط برای فریب مردم صورت می‌گیرد.

حزب ما با سیاست شتاب زده، نسنجیده، و غیر اصولی و غیر دوستانه دولت ضد مردمی احمدی نژاد در ارتباط با اخراج کارگران افغانی به شدت مخالفت کرده و خواهان تامین حقوق آنها و تصمیم‌گیری صحیح و انسانی در ارتباط با ادامه کار و فعالیت یا فراهم ساختن امکان بازگشت شرافت‌مندانه و عادلانه آنها به میهن‌شان است. کارگران و زحمتکشان ایران بر خلاف ارتجاع حاکم احساس برادرانه و احترام‌آمیز نسبت به زحمتکشان افغانی و همه آنهایی که با کار و دست رنج خود در میهن ما زندگی کرده و مهمان ما هستند، داشته و دارند. باید با تمام توان از حقوق زحمتکشان افغانی شاغل در ایران دفاع کنیم.

ادامه پیش نویس دوم اصلاح قانون کار ...

مواردی که به آنها اشاره شد گوشه هایی از محتوی بسیار مخرب پیش نویس دوم اصلاح قانون کار است. این پیش نویس چارچوب قانونی آن سیاست هایی است که اقتصاد کشور را به سمت دلالی و واسطه گری سوق می دهد و با بهبود وضع تولیدی اقتصاد کشور بیگانه و مخالف است. دولت احمدی نژاد، حامی و مدافع منافع لایه های غیر مولد ودلال سرمایه داری ایران است و از این رو در اصلاح قانون کار بسود کلان سرمایه داری شتاب به خرج می دهد. تنها با مبارزه متحد و متشکل می توان سدی مستحکم در برابر برنامه های ضد کارگری رژیم ولایت فقیه پدید آورد.

ادامه چالش هایی که نیروهای چپ ...

در داخل کشور، اتخاذ سیاست های نولیبرالی خصوصی سازی و وضع بد دولتی طی سال ها، تأثیر مخربی بر بسیاری از یک میلیارد مردم هندوستان داشته است. همین مسئله، و نیز دفاع از قانون اساسی سکولار و دمکراتیک هندوستان، ایجاب کرد که حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) استراتژی گسترده ای را در پیش گیرد تا رژیم قبیله ای - هندویی حزب جاناتا را در سال ۲۰۰۴ شکست دهد. اما مرحله بعدی در مبارزه برای عدالت اجتماعی، وادار ساختن دولت/تلفات متحد مردمی به اجرای حد اقل برنامه ای است که در آن زمان مورد موافقت قرار گرفت.

رفیق کارات روشن می سازد: "بحران زمین در کشور ما بسیار ژرف است - در ۸ سال گذشته بیش از ۱۰۰ هزار دهقان و زمین دار کوچک خودکشی کرده اند، و این در حالی است که دولت های قبلی سرمایه گذاری دولتی در زمینه کشاورزی را قطع کرده اند." او تصویب قانون تضمین شغلی روستاییان را تائیدی بر درست بودن استراتژی حزب در ایراد فشار به دولت و دور نگه داشتن حزب جاناتا از قدرت می داند. در حالی که یک سوم جمعیت کشور با روزی یک دلار (معادل ۴۴ روپیه) در روز زندگی می کنند، این قانون حد اقل ۱۰۰ روز کار با حداقل دستمزد روزی ۶۰ روپیه، یا پرداخت مبلغی معادل آن به صورت حق بیمه بیکاری، را برای هر خانوار روستایی تضمین می کند. رهبر حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) می افزاید: "حالا باید از راه بسیج همگانی، اجرای کامل این قانون را تضمین کنیم."

یکی دیگر از تعهدهایی که در شرف به بار نشستن است، لایحه حفاظت زنان است که در صورت تصویب، حقوق زنان و موضوع نمایندگی انتخاباتی آنها را در سراسر جامعه هندوستان تحکیم می کند. مرتجعان تهدید کرده اند که به سختی مخالفت خواهند کرد، ولی در میان آنهايي که برای اصلاحات فراگیر مبارزه می کنند، بریندا کارات، همسر کارات، حضور دارد که عضو دفتر سیاسی حزب و نویسنده ای پیشرو در زمینه جنبش زنان است. کارات معترضانه می گوید: "کشور ما کمتر از یک در صد درآمد ناخالص ملی اش را صرف تأمین بهداشت می کند، یعنی کمتر از برخی از کشورهای آفریقایی. دولت دهلی موافقت کرده است که این نسبت را به ۳ درصد درآمد ناخالص ملی افزایش دهد، ولی پیشنهادش این است که هزینه اضافی را از طریق خصوصی سازی صنایع دولتی تأمین کند. تا کنون نمایندگان حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) در مجلس ۱۳ پیشنهاد به مجلس ارائه داده اند ولی همه آنها رد شده اند. در حالی که اداره بودجه بازنشستگی کارمندان به بخش خصوصی واگذار می شود، طرح پیشنهادی دولت وابسته به حزب کنگره برای کاهش اعتبار برای بازنشستگی کارمندان دولت با بن بست مشابهی روبه رو شده است.

هدف دراز مدت کمونیست های هند ارائه یک "گزینۀ سوم" به مردم است، یعنی نه دولت کنگره و نه دولت حزب جاناتا، بلکه دولت نیروهای چپ، سکولار، دموکراتیک و ضد امپریالیست. او تأکید می کند: "حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) تنها در صورتی در یک دولت ملی شرکت می کند که قدرت تصمیم گیری و اجرای سیاست هایش را داشته باشد." و می افزاید: "ولی در عین حال ما از تمام نیرو و نفوذ خود استفاده می کنیم تا از منافع کارگران و توده های زحمتکش دفاع کنیم."

واندوخته آن که ثروت و دست رنج کارگران است اشاره کرد. در پیش نویس دوم، دو ارگان به لحاظ تشکیلاتی و سازمانی گسترش و نفوذ پیدا می کنند. نخست ارگانی به نام صندوق بیمه بیکاری و دیگری تحت نام سازمان بازرسی کار! بر اساس آنچه در اصلاحیه دوم در نظر گرفته شده است برای صندوق بیکاری اساسنامه ای تنظیم می گردد تا بدان وسیله، این ارگان از تسلط و محدوده وظایف سازمان تأمین اجتماعی خارج و به وزارت کار وابسته و ملحق شود. این اقدامی است هدفمند برای تصاحب، یا بهترگفته باشیم، غارت صندوق سازمان تأمین اجتماعی، زیرا بر اساس قوانین موجود جمهوری اسلامی، صندوق بیمه بیکاری با تصویب مجلس در اختیار سازمان تأمین اجتماعی قرار گرفته و تنها حساب ها و موجودی آن نزد سازمان تأمین اجتماعی نگهداری می شود. بنابراین برخلاف پیش نویس دوم اصلاح قانون کار، صندوق بیمه بیکاری سازمانی مستقل نیست تا اساسنامه داشته باشد و این اساسنامه تغییر و اصلاح گردد. تمام تلاش ارتجاع بدون کمترین تردیدی چنگ انداختن بر دارایی های این صندوق وامکانات مالی هنگفت آن است! از دیگر سو و به موازات تضعیف سازمان تأمین اجتماعی، سازمانی با نام سازمان بازرسی کار فعال می شود و می دانیم با روی کار آمدن احمدی نژاد و تسلط چهرمی بر وزارت کار بخش قابل توجه و مهمی از سازمان بازرسی کار متشکل از بسیجیان است و این درحالی است که در ذیل ماده ۱۹۲ اصلاحیه، سازمان تأمین اجتماعی از حق بازرسی از کارگاه ها برای شناسایی بیمه شدگان محروم شده است! بی جهت نبود که پس از انتشار رسمی پیش نویس دوم اصلاح قانون کار، طبقه کارگر هوشیار ایران به ویژه نسبت به حذف حق بازرسی سازمان تأمین اجتماعی اعتراض جدی و واکنش دقیق نشان داد. یکی از نمایندگان کارگران با صراحت در این زمینه به خبرنگاری ایلنا، ۱۲ آذر ماه اعلام داشت: "بحث بازرسی وزارت کار از واحدها با بحث تأمین اجتماعی متفاوت است، مسئولان این سازمان نباید زیر بار این قضیه بروند چرا که بازرسی از واحدها توسط سازمان تأمین اجتماعی سلامت جسمی و روانی نیروی کار را تضمین می کند و بازنشستگی کارگران بستگی به نوع عملکرد بازرسان این سازمان دارد، در پیش نویس دوم، بحث بازرسی تأمین اجتماعی از واحدها حذف شده است. پیش نویس دوم به مراتب بدتر از پیش نویس اول است..."

برای آنکه به خصوص در این زمینه چهره واقعی دولت احمدی نژاد این دولت کارگر ستیز تحت فرمان ولی فقیه آشکار شود، توجه به مسئله سن بازنشستگی حائزاهمیت است. در پیش نویس دوم، با حذف بازرسی سازمان تأمین اجتماعی راه برای افزایش سن بازنشستگی باز می شود.

هنگامی که متن پیش نویس دوم منتشر شد، نایب رییس اتاق بازرگانی و از اعضای کانون صنفی کارفرمایان ضمن استقبال از این پیش نویس و اصلاح ماده ۱۹۲ مربوط به حذف بازرسی سازمان تأمین اجتماعی، خاطر نشان ساخت: "افزایش سن بازنشستگی به اشتغال زایی کمک می رساند." به علاوه روزنامه سرمایه در تاریخ ۶ آذر ماه در گزارشی از اولین نشست مشترک روسای صندوق های بازنشستگی در سازمان تأمین اجتماعی نوشت: "افزایش سن بازنشستگی به ۶۵ سال، از سوی برخی نهادها پیشنهاد شده، سن بازنشستگی با توجه به افزایش سن امید به زندگی به ۶۵ سال برسد..."

و این پیشنهاد البته با تأیید هیئت مدیره کانون عالی کارفرمایان روبرو شد و رییس این هیئت مدیره به خبرنگاران یاد آوری کرد: "منظور از اصلاح ماده ۱۹۲ قانون کار تجمیع بازرسی موسسات و نهادهای مختلف از واحدهای تولیدی است، مراجعات مکرر بازرسان به واحدها برای کارفرمایان مشکل آفرین است..." درهمین حال درست برخلاف نمایندگان کلان سرمایه داری، کارگران و زحمتکشان خواستار تقویت سازمان تأمین اجتماعی و شبکه بازرسی آن هستند. رییس کانون انجمن صنفی کارگران خباز کشور، در این باره تأکید کرد: "اگر بازرسی تأمین اجتماعی از واحدها حذف شود، کارفرمایان هرگونه که بخواهند با کارگر رفتار خواهند کرد حذف بازرسی تأمین اجتماعی زیان بارتر از حذف ماده ۲۷ قانون کار است."

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه پیروزی سیاسی بزرگ ...

ناچارند اعتراف کنند که انتخابات شوراها شکست بزرگی برای آنها بوده است. به نوشته روزنامه "قدس"، امیررضا واعظی آشتیانی، عضو شورای شهر تهران و نامزد فهرست رایحه خوش خدمت (حامیان احمدی نژاد) با پذیرش شکست این فهرست در انتخابات شوراها، افزود که این مساله به معنای شکست سیاست‌های دولت و شخص احمدی نژاد نیست. وی همچنین با انتقاد از اظهارات برخی حامیان احمدی نژاد در زمان انتخابات تاکید کرد: "آتهایی که می‌گفتند ۳۰ میلیون نفر در انتخابات به لیست حامیان دولت رای می‌دهند، خود باید پاسخگوی اظهاراتشان باشند."

همچنین روزنامه "مردم‌سالاری" در تیتیر نخست خود با عنوان "خدا توی گوشمان زد"، اظهارات احمد خورشیدی، دبیر کل "جمعیت خدمتگزاران" یکی از گروه‌های حامی دولت را منعکس کرد. به نوشته این روزنامه، اکنون که انتخابات ۲۴ آذر به پایان رسیده و حامیان احمدی نژاد در صدد یافتن عوامل شکست خود هستند، دبیر کل جمعیت خدمتگزاران به عنوان یکی از حامیان رییس جمهور که گفته می‌شود پدر داماد احمدی نژاد نیز محسوب می‌شود، شکست در انتخابات اخیر را شکستی خدایی خوانده و گفت: همان خدایی که دولت را سر کار آورد بنا به عللی توی گوشش زد. او گفت: ما بعد از دو هفته مرخصی با رمز عملیات تسخیر مجلس هشتم برای خدمت به اسلام و بهبودی بیشتر اوضاع، کارمان را شروع می‌کنیم."

مسئله مهم دیگر در مورد انتخابات شوراها حضور وسیع و آگاهانه مردم و نیروهای اجتماعی و همچنین بازنگری بخشی از نیروهای اجتماعی در موضعی بود که در جریان انتخابات ریاست جمهوری اتخاذ کرده بودند. از جمله بخش‌هایی از جنبش دانشجویی کشور ضمن اشاره به ادامه حاکمیت استبدادی در کشور و نادیده انگاشته شدن حقوق شهروندان از مردم خواست که در صورت شرکت در انتخابات از رای دادن به نامزدهای نیروهای مرتجع و تاریک اندیش خودداری کنند. حزب توده ایران نیز با درک دشواری‌هایی که جنبش مردمی در طول یک سال گذشته با آن روبه رو بوده است در این زمینه از جمله اعلام کرد که: "بدین ترتیب اصل شرکت سراسری در انتخابات شوراها شهر و روستا در کشور، در شرایطی که در شماری از شهرها و روستاهای کشور نماینده بی‌جز کارگزاران ارتجاع در صحنه باقی نمانده‌اند، منتفی است. اما مسأله قابل تأمل دیگر اصل بهره‌وری از انتخابات شوراها برای سازمان دهی مبارزه سیاسی بر ضد ارتجاع حاکم است. امروز همه تلاش ارتجاع متوجه دلسرد کردن وسیع توده‌ها، بی‌ثمر نشان دادن تلاش‌ها و جلوگیری از بازگشت نیروهای مردمی به صحنه مبارزه است. اگر ارتجاع در این امر موفق شود جنبش بیش از پیش از این روند متضرر خواهد شد. به گمان ما می‌توان از شرایط بسیار محدود کنونی برای بسیج توده‌ها و به منظور مقابله با نقشه‌های ارتجاع بهره‌جست. اگر می‌توان در منطقه‌ای نامزدهای مرتجعان حاکم را با شکست روبه‌رو کرد این تلاش می‌تواند زمینه‌ساز حرکت‌های بعدی و ایجاد روحیه برای جنبش باشد" (به نقل از «نامه مردم»، شماره ۵۷۲، ۲ آذرماه ۱۳۸۵).

موضوع قابل تأمل دیگر درباره انتخابات ۲۴ آذرماه این است که حتی در جریان انتخابات مجلس ارتجاعی و ضد مردمی خبرگان، کسانی همچون مصباح یزدی، با بی‌اقبالیتی شدید شرکت کنندگان روبه‌رو شدند. روشن است که نتایج انتخابات ۲۴ آذر ماه، با توجه به تقلبات گسترده‌یی که در آن رخ داده است نتیجه‌یی است که با پایداری شدن بخش قابل ملاحظه‌یی از آرای مردم اعلام گردیده است و درست به همین دلیل برخوردهای وسیع اعتراضی نیروهای مختلف سیاسی و اجتماعی در شهرهای مختلف روبه‌رو شده است. در این زمینه، در روزهای اخیر، اخبار وسیع و گوناگونی انتشار یافت که به رسوایی بیش از پیش سران رژیم و دست‌اندرکاران وزارت کشور دولت احمدی نژاد منجر شد. برای نمونه پایگاه خبری "امروز" چند

ساعت پس از اعلام نتایج اولیه انتخابات شوراها، گزارش داد که انتشار نخستین نتایج شمارش آرای سومین دوره انتخابات شورای شهر تهران توسط وزارت کشور ابهاماتی را به همراه داشته است. زیرا که آمار اعلام شده از میان ۶۴۰ صندوقی بوده که توسط نیروهای اقتدارگرا دستچین شده است. قصد مسئولین وزارت کشور دولت احمدی نژاد قطعاً این بوده است، تا بدین وسیله زمینه ترکیب غیرواقعی منتخبان را در افکار عمومی آن‌هم قبل از اعلام نتیجه قطعی انتخابات جا بیندازد. در همین ارتباط نیز محسن آرمن، سخنگوی سازمان مجاهدین انقلاب، عملکرد وزارت کشور را پرابهام توصیف کرد و گفت که نمی‌توان آراء هزار صندوق شوراها را در ظرف این مدت محدود شمارش کرد. اصلاح‌طلبان حکومتی در نامه‌ای به حداد عادل رئیس مجلس هفتم، نگرانی جدی خود را از روند موجود و باطل شدن رای واقعی مردم، ایراز کردند. در این نامه، که روز دوشنبه توسط برخی از خبرگزاری‌های رسمی کشور، از جمله خبرگزاری ایسنا، منتشر شد، از جمله آمده است: "انتخابات اخیر شورای شهر تهران در حالی برگزار شد که متأسفانه در طول ۱۳ ساعت اخذ رأی، موارد متعددی از تخلف، نقض قانون و تضییع حقوق انتخاب کنندگان و انتخاب‌شوندگان را در بر داشت و مواردی همچون دخالت افراد غیرمسئول در روند انتخابات، توزیع اقلام تبلیغاتی متعلق به یک جریان سیاسی مشخص و بهره‌مندی از حمایت برخی مراکز قدرت در طول برگزاری انتخابات، اخراج نمایندگان کاندیداها از محل شعب و ... به کرات به چشم آمد." علاوه بر این در نامه تاکید شده است: "با پایان زمان اخذ رأی و آغاز مرحله قرائت و شمارش آراء مجموعه‌ای از اتفاقات و وقایع رخ داد که ابعاد آن به گونه‌ای وسیع و همه‌جانبه بود که مشابه آن در هیچ یک از انتخابات گذشته کشور سابقه نداشته است."

نویسندگان نامه در این ارتباط با بر شماری ده مورد، به گوشه‌هایی از اقدامات و مداخلات برخی از نیروها که سعی دارند بر روند نتیجه انتخابات تأثیر بگذارند، اشاره کرده‌اند. انتخابات شوراها با پیروزی سیاسی مردم بر ضد نیروهای مرتجع و مستبدان حاکم به پایان رسید. انتخابات شوراها نشان داد که می‌توان و باید از همه امکانات موجود برای سازمان دهی مردم و نیروهای اجتماعی بهره‌جست و اجازه نداد که ارتجاع مردم را با تشدید سرکوب و خفقان از موثر بودن مبارزه سیاسی ناامید کند. پیروزی مردم در شکست دادن گسترده نامزدهای ارتجاع در جریان انتخابات شوراها تنها گام کوچکی در راه دشوار و پر پیچ و خم پیکار سیاسی بر ضد استبداد حاکم است. حرکت به سمت سازمان دادن نیروهای اجتماعی، و خصوصاً ایجاد پیوند تنگاتنگ میان مبارزه جنبش کارگری با جنبش دانشجویی و پیکار دلیرانه زنان کشور مسئله اساسی‌یی است که همچنان پیش روی همه نیروهای ترقی خواه کشور قرار دارد. همکاری‌های نزدیک، همبستگی و ائتلاف وسیع نیروهای ضد استبداد می‌تواند نیروی سازمان یافته و موثر مبارزه و مقابله با رژیم استبدادی حاکم را در درون جامعه ما پدید آورد. باید تلاش‌ها در راه ایجاد این اتحاد وسیع ضد استبدادی را برای طرد رژیم ولایت فقیه و استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی دوچندان کرد.

ادامه آمریکای لاتین ...

از نمونه های مشخص این تلاش ها دیدار، داسیلوا، رییس جمهوری برزیل و، چاوز، رییس جمهوری ونزوئلا در برزیل بود، که در آن مذاکرات مشخصی در مورد پروژه های مشترک، به ویژه در مورد کمپانی نفتی، پترو براس، صورت گرفت. همچنین دو رییس جمهوری در باره ی مسایل منطقه ای، به بحث و تبادل نظر پرداختند (گراناما، ۱۶ آذرماه).

رییس جمهور جدید اکوادور، رافایل کوریا، نیز پیش از به دست گرفتن قدرت در ۲۴ آذرماه، در ملاقاتی که با رییس جمهوری، پرو داشت اعلام کرد: "قرار داد آزاد تجاری با آمریکا را امضا نخواهد کرد." همچنین "اوو مورالس" رییس جمهوری بولیوی نیز، ضمن تاکید بر عضویت کامل در "مرکوسور"، اعلام کرد: "تلاش دارد تا سیستمی شبیه به اتحادیه اروپا را در آمریکای لاتین ایجاد کند" (پرسنا لاتینا، ۱۴ آذرماه).

تحولات آمریکای لاتین در چند سال اخیر در قالب انتخاب نیروهای عمیقاً دموکرات و ترقی خواه، نشان می دهد که چگونه مردم، بیزار و خسته از سیاست های ضد مردمی دولت های فاسد گذشته، می توانند آنها را از قدرت ساقط سازند و رهبران مردمی خود را جایگزین آنها کنند و به موازات آن از حاکمیت و استقلال خود در برابر تهاجمات خارجی دفاع کنند. آنچه آن که مردم کوبا در چند دهه ی اخیر در برابر تحریکات، تجاوزها و تهاجمات غیر انسانی و غیر قانونی آمریکا، توانسته اند مقاومت کنند و یا آنگونه که مردم ونزوئلا، کودتای آمریکا بر ضد چاوز را ۵ سال پیش با شکست مواجه ساختند و چاوز را دوباره به قدرت برگرداندند. و یا نیکاراگوئه که در آنجا مردم بیش از یک دهه پس از شکست ساندینیست ها در انتخابات، که زیر فشارهای آمریکا و توطئه های نیروهای شبه نظامی طرفدارش ممکن شد، در انتخاباتی تاریخی بار دیگر "دانیل اورتگا"، رهبر مشهور انقلابیون ساندینیستی، را به مقام رییس جمهوری انتخاب کردند. مردم آمریکای لاتین با تمام پوست، گوشت و استخوان خود، درد و رنج فجایع به وجود آمده توسط آمریکا را تجربه کرده اند و از همین رو با روی آوردن به نیروهای مردمی و دموکرات، "راه نوین" و متفاوتی را در تضاد با سیاست های آمریکا و امپریالیست ها انتخاب کرده اند.

چالش هایی که نیروهای چپ هندوستان با آن روبه رو هستند

دیداری با پراکاش کارات، دبیر کل جدید حزب کمونیست هند (مارکسیست)



به دعوت حزب کمونیست هند (مارکسیست)، در روز ۱۴ آذرماه، هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در جلسه معارفه ای با رفیق "پراکاش کارات"، دبیر کل جدید این حزب پرقدرت هندوستان، حضور پیدا کرد و با رفقای هندی، درباره آخرین تحولات منطقه تبادل نظر کرد. در این جلسه که در هانژلو، در غرب لندن، انگلستان، برگزار شد همچنین نمایندگان "جامعه کارگران هندوستان"، ائتلاف "جنگ را متوقف کنید" از انگلستان، کارزار همبستگی با کوبا، و رفیق رابرت گریفیث، دبیر کل حزب کمونیست انگلستان، شرکت داشتند. نماینده کمیته مرکزی حزب ما در این

مراسم ضمن سخنان کوتاهی با اشاره به دشواری هایی که نیروهای مترقی منطقه با آن رو به رو هستند و خصوصاً حضور نظامی امپریالیسم و سیاست های تنش زا و جنگ طلبانه آن، بر گسترش همکاری ها میان نیروهای ترقی خواه و خصوصاً گسترش روابط بین احزاب کارگری و کمونیستی منطقه تأکید کرد، و همبستگی حزب توده ایران را با مبارزات دلیرانه کمونیست های هندی اعلام کرد. رفیق پراکاش نیز در سخنانی به چالش هایی که نیروهای چپ هند در شرایط کنونی با آن رو به رو هستند، اشاره کرد.

رفیق پراکاش در ابتدای سخنان خود اشاره کرد که: حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، ۴۴ عضو در مجلس عوام لک سبها (Lok Sabha) دارد [از جمله رییس مجلس که عضو حزب است]، و نیروی عمده در جبهه چپ است که توازن نیروها را در مجلس حفظ می کند. به علاوه، در ایالت های بنگال غربی، کرالا و تری پورا نیز حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) دولت های جبهه متحد و چپ را رهبری می کند. حزب کمونیست هند (مارکسیست) حزبی است رزمنده که نزدیک به یک میلیون نفر عضو دارد، و بیش از ۴۰ میلیون نفر در سازمان های وابسته و همبسته به آن مانند اتحادیه های کارگری، سازمان های دهقانان و زنان، و فدراسیون های جوانان و دانشجویان سازمان یافته اند.

پراکاش کارات ۵۶ ساله باید جای رهبر سابقه دار جنبش کمونیستی بین المللی، یعنی **هارکیشان سینگ سورجیت** را پر کند، که حزب با رهبری او توانست به این درجه از نفوذ و حمایت بی سابقه مردم دست یابد. رفیق پراکاش کارات که در راه بازگشت از جشن تولد فیدل کاسترو در کوبا، در توقیفی در لندن، در این جلسه شرکت می کرد، از جمله گفت:

"بودن در بریتانیا خاطره زمان دانشجویی و اعتراض های سراسری بر ضد جنگ ویتنام را زنده می کند." او زمانی که در دانشگاه ادینبورگ (پایتخت اسکاتلند) درس می خواند، به سبب فعالیت های ضد نژاد پرستی مورد غضب مقام های دانشگاه قرار گرفت. امروز او در ضمن این که از چند و چون نیروهای شرکت کننده در این جنبش پرس و جو می کند، و از رشد وجدان آگاه مردم بر ضد امپریالیسم استقبال می کند، و مشتاقانه در برابر جنبش ضد جنگ در بریتانیا سر احترام فرود می آورد.

پراکاش می گوید: "این فقط سیبج گسترده مردم هندوستان، با سابقه طولانی و درخشان ضد امپریالیستی شان بود که توانست دولت سابق حزب بهارتیا جاناتا [حزب مردم هندوستان، که یکی از دو حزب عمده سراسری هندوستان است] را وادارد که از گسیل ۱۶۰۰۰ سرباز به عراق صرف نظر کند." کارات با خوشحالی ادامه می دهد: "به تازگی به پیشنهاد ما در مجلس هندوستان اشغال عراق محکوم و خروج نیروهای نظامی آمریکا و انگلیس از آن کشور درخواست شده است. به اصطلاح "معجزه اقتصادی" در هندوستان تعداد میلیاردها را دو برابر کرده، در حالی که سوء تغذیه کودکان در حد گسترده ای باقی مانده است. دولت ائتلاف متحد مترقی به رهبری حزب کنگره که ۲ سال پیش انتخاب شد، سیاست خارجی بحث برانگیزی را در پیش گرفته است، و در حالی که هر چه بیشتر به کاخ سفید نزدیک می شود، قصد دارد تا نقش پیشرویی در جنبش دوباره جان گرفته غیر متعهد ها داشته باشد. جبهه چپ نسبت به موافقت نامه هایی که اخیراً بین کاخ سفید و دهلی در زمینه مسائل امنیتی و انرژی هسته ای امضا شده است به شدت معترض است." کارات اظهار داشت: "اعتراض ما به ویژه به بندهایی در قرارداد است که هندوستان را وابسته به سیاست خارجی آمریکا می کند، از جمله تحریم بر ضد ایران و گشت زنی نظامی در تنگه مالاکا [بین مالزی و جزیره سوماترا]... ما از کوشش های خود در راه تحقق دستیابی هندوستان به سیاست خارجی مستقل، تحکیم و تقویت جنبش غیر متعهد ها، و همبستگی با خلق هایی که برای حق حاکمیت ملی شان بر ضد امپریالیسم مبارزه می کنند باز نخواهیم ایستاد."

او اعتقاد دارد که هندوستان و جنبش های چپ و مترقی آن قادرند نقش بسیار مهمی در حمایت از نیروهای دمکراتیک و سکولار در کشورهای همسایه هندوستان مثل بنگلادش و سریلانکا ایفا کنند. او سپس اضافه می کند: "برای ما بسیار حیاتی است که مسائل مورد اختلاف با پاکستان را از طریق گفتگو حل و فصل کنیم - و من چشم به راه استقرار جمهوری نپال در سال ۲۰۰۷ هستم."

آمریکای لاتین در مسیر تحولات اجتماعی عمیق تر

تلاش مستمر آنها در افزایش جنایات پینوشه، او را تا پای میز محاکمه کشاند. در کشورهای دیگری چون برزیل، اروگوئه، اکوادور، آرژانتین، بولیوی و... نیروهای مترقی توانسته اند قدرت دولتی را به دست بگیرند و در کنار کوبای انقلابی، تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بنیانی را در منطقه صورت دهند. نتیجه ی انتخابات اخیر در آمریکای لاتین، بیانگر حرکتی نوین و عمیق در منطقه و نشانگر رشد بلوغ سیاسی مردم است. تحولات در این کشورها، نیاز عاجل مردم آمریکای لاتین برای برون رفت از فقر روز افزون است، تحولاتی که باید نیاز بیش از ۷۰ درصد جمعیت این کشورها را بر آورده سازد. نکته قابل ذکر دیگر در رابطه با آمریکای لاتین، گرایش مثبت روسای جمهوری ترقی خواه این منطقه به اتخاذ مواضع مشترک است. آنها در مبارزات انتخاباتی خود، و آنهايي که در چند سال گذشته قدرت را در دست داشته اند، مبارزه با فقر، بیکاری، بیسوادی و بیماری هارا در راس برنامه های سیاسی خود قرار داده اند. این کشورها در کنار ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه گذاری های خارجی، برنامه های ویژه ای را برای حفظ نقش ضروری و تعیین کننده دولت در اقتصاد، تدارک دیده اند. از نمونه های مشخص آنها، ملی شدن صنایع نفت و گاز و زمین ها در بولیوی، و تدارک برای تغییر قوانین در ونزوئلا، برای دولتی کردن صنایع نفت و سایر صنایع مادر در این کشور است. در کنار این ها، کشورهای منطقه، بنا به نیاز خود و در مبارزه با سیاست های اقتصادی تحمیل شده از سوی آمریکا، در قالب موافقتنامه "آلبا" به ایجاد مناطق آزاد تجاری، با در نظر گرفتن منافع متقابل طرفین، و یا به تقویت و بازسازی سایر قرار دادهای تجاری، از جمله "مرکوسور" دست زده اند.

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

به مناسبت ۶۵ مین سالگرد حزب
آرش چمنی ۱۰۰۰ دلار

سوسیالیستی، صورت خواهد گرفت... و این اصلاحات عمیق تر از آنچه که پس از همه پرسی سال ۱۹۹۹ صورت گرفت، خواهد بود (پرسنا لاتینا، ۲۰ آذرماه).

چاوز همچنین با تاکید بر عمیق تر شدن "انقلاب بولیواری"، این پیروزی را نه تنها به شهدا و قهرمانان ونزوئلا و "سیمن بولیوار"، بلکه به مردم کوبا و فیدل کاسترو هدیه کرد و گفت: "پیروزی بزرگ برای انقلاب، صلح و امید به دست آمده است... من دوباره آنچه را که چند روز پیش گفتم، تکرار می کنم. ما این پیروزی را به مردم کوبا و رئیس جمهور، برادر، رفیق و هم قطار، فیدل کاسترو، هدیه می کنیم" (گراناما ۱۲ آذرماه).

فیدل کاسترو نیز در روز ۱۳ آذرماه پیام تبریکی به این مناسبت به چاوز و مردم ونزوئلا ارسال کرد و گفت: "... پیروزی شما در تاریخ آمریکای ما پر طنین، کوبنده و بی نظیر بود. مردم ستم دیده ی جهان، همیشه حامی و مشوق استراتژی و شهامت شما در مبادرت ورزیدن به چنین مبارزه ی مشکلی، خواهند بود... شجاعت سیاسی شما و مردم ونزوئلا، جهان را تحت تاثیر خود قرار داده است. ما کوبایی ها شادمان هستیم" (گراناما، ۱۳ آذرماه).

تحولات آمریکای لاتین، تنها محدود به پیروزی چاوز در ونزوئلا نمی شود. در دهه ی اخیر، این منطقه شاهد تحولات جدی و بنیانی وسیعی در سیستم سیاسی خود بوده است. دولت های دیکتاتوری نظامی خشن در این کشورها، که عمدتاً تحت نفوذ و رهبری آمریکا بودند، از صحنه بیرون رانده شده اند و این در حالی است که مردم در مقیاسی وسیع، رهبران سیاسی خود را، در انتخاب های دموکراتیک، جایگزین آنها کرده اند. در شیلی، پینوشه، پیش از مرگ خود، تلاش کرد تا با فریب مقامات قضایی و استفاده از نفوذ اربابان خود، آمریکا و انگلستان، از اتهامات خود بگریزد، اما خیل عظیم اعتراضات مردمی و

هوگو چاوز، رئیس جمهوری ونزوئلا، در انتخابات ۱۲ آذر ماه، توانست با اختلاف زیادی، رقیب اصلی خود، مانوئل روسالس، را شکست دهد و دوره ی ریاست جمهوری خود را برای شش سال دیگر تمدید کند. در این انتخابات، چاوز با بیش از ۲۳ درصد اختلاف آرا به پیروزی رسید که نسبت به دوره ی گذشته افزایش نشان می دهد. دلیل پیروزی قاطعانه ی چاوز، حمایت مردم و زحمتکشان ونزوئلا از سیاست های دولت وی در چند سال اخیر است. دولت چاوز با دست زدن به اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در راه تامین منافع مردم، توانسته است از پشتیبانی اکثریت فقیر مردم این کشور برخوردار شود.

در ونزوئلا، در چند سال اخیر، شرکت مردم در مسایل سیاسی افزایش یافته است و سیاست خارجی این کشور در منطقه در جهت همکاری های وسیع با نیروهای چپ و مترقی گرایش مشخص و قدرتمندی داشته است. در سیاست داخلی، حداقل حقوق مردم به میزان قابل توجهی افزایش یافته است، مبارزه با فقر، بیکاری و بیسوادی در راس برنامه های دولت قرار دارد و خدمات بهداشتی و درمانی به طور فزاینده ای رو به بهبود می رود.

"سال گذشته، رشد اقتصادی ونزوئلا به ۹ درصد رسید و در سال جاری نیز بالغ بر ۱۰ درصد بود" (سایت مردم روزانه، چین، ۱۷ آذرماه)، که یکی از بالاترین رشد های اقتصادی در جهان است. این در حالی است که بسیاری از کشورهای صنعتی و پیشرفته ی جهان، در تلاش برای دست یابی به رشد اقتصادی ۱ تا ۳ درصد هستند.

چاوز پس از پیروزی در انتخابات اخیر اعلام کرد که "تغییراتی در قانون اساسی این کشور، برای پیشبرد طرح های

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و "ای-میل" http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 754
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

21 December 2006

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse